



## اثمه عليه السلام محور وحدت امت - وحدت امت محور حرکت ائمه عليه السلام

پدیدآورده (ها) : شوری، ع  
علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی، اسلامی :: آذر تا اسفند 1386 - شماره 67 و 68

از 89 تا 112

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/315308>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 15/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

# امام علی (علیه السلام) محور وحدت است - وحدت امت محور حرکت است

ع. شوروی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## چکیده

در ساختار اندیشه‌ی اسلامی، فراخوانی به وحدت و نهادینه سازی آن، امری ذاتی و سرشتی می‌باشد. این فراخوانی، با مبانی فکری و عقیدتی گوناگونی پیوند یافته است. یکی از مهم‌ترین آنها، عنوان امامت است که دیانت اسلامی، آن را محور حرکت امت قرار داده است و در نتیجه فلسفه‌ی وجودی امامت اسلامی هم مفهومی بارز و روشن می‌یابد.

در راستای طرح کلی امامت، اسلام، پیروان خویش را به ولای اهل بیت (علیهم السلام) و محبت نسبت به خاندان رسالت فراخوانده و از طرف دیگر، کارمایه‌ی خود امامت نیز در راستای تحقق وحدت آرمانی و ارزشی جامعه‌ی اسلامی است.

بدین روی طرح کلی امامت و حرکت کلی آن، بسان یک استراتژی فعال مطرح است و می‌تواند وحدت امت اسلامی را بر حول محور خویش عملیاتی نماید. در تحلیل کلی می‌توان گفت امامت، استراتژی هویت ساز اسلامی می‌باشد. امامت، همان جبل متین و عروة الوثقی است که اسلام بیروان خویش را به تمسک به آن فراخوانده است.

با چنین تصویری از امامت، همه‌ی فرق اسلامی، در عنوان محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) اشتراک نظر دارند. تظاهر و ابراز این محبت، در سخن بسیاری از عالمان فرهیخته‌ی اهل سنت انعکاس دارد، همچون حاکم حسکانی، مقریزی، شافعی، ثعلبی، حاکم نیشابوری، جلال‌الدین سیوطی و... آنان محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) را فرض و تکلیفی الهی دانسته‌اند که با توجه به چنین ایده‌ی بلندی می‌توان گفت محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) محور کلی وحدت آرمانی جامعه‌ی اسلامی است.

از طرف دیگر عملکرد امامان شیعه (علیهم‌السلام)، از امام علی (علیه‌السلام) تا امام عسکری (علیه‌السلام)، توجه به مقوله‌ی وحدت را در سرشت حرکت سیاسی خود قرار داده‌اند، که در مجموع می‌توان وحدت اسلامی را استراتژی بلند و ثابت حرکت امامان (علیهم‌السلام) در تاریخ ارزیابی نمود.

**واژگان کلیدی:** امامت، وحدت، اهل بیت، محبت، سنت، شیعه، فرق اسلامی.

## درآمدی بر نوشتار

اسلام در یک نگرش کلی، آیینی است که در ساختمان کلی آن وحدت ارزشی انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته و پیروان خود را به این حقیقت فرا می‌خواند که هویت واحدی تشکیل دهند و به صورت یک پیکر بالنده و قوی و متحد زندگی کنند. در وحدتی جوشان قرار داشته باشند و هر فردی از افراد جامعه‌ی اسلامی، چنان تعلق خاطری به کلیت جامعه داشته باشد که خود را عضوی مؤثر و فعال از

کلیت این اندام متحرک بداند تا قدرت در کلان جامعه‌ی اسلامی شکل گیرد. عامل‌هایی چند، اعضا را به هم متصل کرده و مرتبط می‌سازد. همچون ایمان واحد و راه و مقصد واحد. یکی از مهم‌ترین عامل‌هایی که این پدیده‌ی مبارک را محقق می‌سازد، تمرکز حول محور امامت است. امامان شیعه علیهم‌السلام، به عنوان راهنمایان هدایت‌گر و روشن بین، به این مقوله توجه وافری داشته‌اند و هم خودشان با تعالیم‌شان می‌توانند محور این توجه کلیدی باشند و هم علاقمند بوده و تلاشی گسترده نموده‌اند که صف مرصوص و واحدی را در برابر جبهه‌ی کفر و باطل بگشایند.

این ارتباط باطنی از ناحیه‌ی امامان علیهم‌السلام نسبت به پیروان‌شان، از انگیزه‌های ایمانی آنان شکل گرفته و لذا تعامل آنان با جامعه‌ی ایمانی همچون تعامل پدری مهربان نسبت به فرزندان می‌باشد که همواره دل‌سوزی کرده و احساس خود را در قالب موعظه‌ها، پندها، عمل‌ها و اقدام‌های سبیل‌گونه و مبارزه‌ها و اقدام‌های عدالت‌گرایانه نشان می‌دهد.

این است که فلسفه‌ی ولایت معنوی و ولایت سیاسی آنان تحقق نمی‌یابد، مگر با تمرکز کلان امت اسلامی بر محور وجود آنان. همچنین این مهم تحقق نمی‌یابد مگر با این که خود امام نیز در همین راه تلاشی نماید و اندیشه‌ها و خرده‌ها را معطوف به تمرکز بر حول محور وجود خویش، فراخواند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: مثل المؤمنین فی تواددهم و تراحمهم کمثل الجسد اذا اشتکی بعض تداعی له سائر اعضاء جسده بالحمی و السهر (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۸۷).

داستان مؤمنین در هم‌گامی و مهربانی نسبت به هم همچون داستان جسد است؛ هنگامی که بعضی از اعضای انسان دچار رنجی می‌گردد، سایر اعضای بدن انسان واکنش نشان داده و دچار تب و بی‌خوابی می‌گردند.

قرآن مجید، جامعه‌ی دینی را چنان نیرومند توصیف می‌کند که اوج تعبیر را بیان می‌نماید و می‌فرماید: «أَشِدُّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ بر کافران خشمگین

و در میان خود در نهایت مهربانی اند.

در فرهنگ سیاسی اسلام آن رشته‌ای که آحاد را به هم متصل می‌کند و اعضای پراکنده را به هویتی واحد و تشکلی قوی تبدیل می‌نماید، و آن استحکام و صلابت را در آنان رقم می‌زند، امام است. امام متصل‌کننده‌ی پراکنده‌ها و متفرق‌ها به مرکزیتی واحد است؛ چه با گفتارش و چه با سیره و رفتارش. لذا قرآن مجید نقش کلان امامت را در چنین شاکله‌ای ارزیابی می‌نماید.

در راستای چنین کلیتی، قرآن پیروان خویش را دعوت به محبت نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام می‌نماید. محبت به اهل بیت علیهم‌السلام در فرهنگ سیاسی اسلام، فلسفه‌ی روشن و متعالی دارد و آن این است که مؤمنان و مستدینان بر محور وجود راه‌گشای امام تشکلی هدف‌مند بیابند و همچون یدی واحد در مقابل جبهه‌ی باطل صف آرایی نمایند.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»؛ خداوند دوست می‌دارد پیکارگرانی را که در راهش همچون بنیانی پولادین می‌باشند.

امامت در اندیشه‌ی سیاسی اسلام یک استراتژی وحدت‌گرایانه و کلان‌اسلامی است و خود امامان شیعه علیهم‌السلام دارای این استراتژی بوده‌اند که انسان‌های دین‌گرا را به وحدتی هویت‌ساز فراخوانند. بدین روی، در این نوشتار، مقوله‌ی وحدت را با محوریت امامت مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

### امامت استراتژی هویت‌ساز اسلامی

امامت در فرهنگ سیاسی اسلام یک استراتژی است که با این هدف‌مندی مورد توجه واقع گردیده که امت اسلامی را در تشکلی شکوهمند و مؤمنانه قرار دهد. امامت جبل و ریسمان محکم خداوند است که اسلام همه‌ی دینداران را به چنگ زدن به این ریسمان محکم فرا خوانده است.

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳)؛ همگی شما به ریسمان الهی چنگ زده و پراکنده نشوید.

قرآن مجید امامت را عهد و پیمانی الهی می‌داند که باید در دست افراد لایق، وارسته، دانای به شریعت، و عامل به آن باشد تا بتوانند تشنگان حقیقت را به سرچشمه‌ی نور و عظمت راهنمایی نمایند و انسان‌ها به آنها اعتماد کنند، و چاره‌ی دردهای خود را در دست آنان بیابند.

«امامت در تفکر اسلامی همین شاکله را دارد بدین جهت است که محبت به اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان مزد رسالت تلقی گردیده است. در قرآن مجید می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری، ۲۳)؛ در این آیه‌ی شریفه مزد رسالت مودت ذوی القربی معرفی شده است.

این مسأله مورد تأیید همه‌ی فرق اسلامی است که مودت اهل بیت (علیهم السلام) نجات‌بخش می‌باشد و باید فرد مسلمان به آن توجه داشته باشد. فقط یک فرقه مسیری جدا از سایر مسلمین برگزیده‌اند و آن ناصبی‌ها هستند، زیرا که آنها بغض نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) را در دل دارند. البته این فرقه از هویت و وجود کم‌رنگی برخوردار هستند که می‌توان گفت تقریباً منقرض شده‌اند و تشکلی ندارند.

باقی فرق اسلامی، متفقاً به این قضیه ایمان دارند که باید نسبت به خاندان عصمت و طهارت عشق ورزید و نسبت به آنها محبت داشت. به همین جهت در اینجا بخشی از عقاید علمای اهل سنت را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

عبدالله ابن احمد، معروف به حاکم حسکانی، کتابی دارد به نام *شواهد التنزیل و آیاتی که در قرآن مجید در شأن ائمه اطهار (علیهم السلام) نازل شده است* را در آن آورده و بدون تعصب و کتمان، شأن نزول این آیات را که درباره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) است مورد بحث و بررسی قرار داده است.

اکنون بخش‌هایی از این نقل‌ها را مرور می‌کنیم:

او از قول مجاهد نقل کرده است که «ان لعلی سبعین منقبه ما کانت من اصحاب النبی مثلها و ما من شیء من مناقبهم الا و قد شرکهم فیها» (حاکم حسکانی، عبدالله ابن احمد من اعلام القرن الخامس، مؤسسه الطبع و النشر، وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی، ۱۹۹۰ م ۱۴۱۱ هـ، ص ۲۴).

یعنی علی علیه السلام را مناقبی است که در هیچ یک از اصحاب رسول خدا چنین مناقبی وجود ندارد، و هیچ منقبتی هم در یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نیست که علی علیه السلام در آنها شریک نباشد.

همچنین روایت کرده از بعضی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله که «قال: لقد سبق لعلی ابن ابی طالب من المناقب ما لو ان واحده منها قسمت بین الخلق و سعتهم خيراً» (همان، ۲۵).

پیشی گرفته بر علی علیه السلام مناقبی که اگر منقبتی از آنها بین همه ی انسان ها تقسیم گردد همگی در معرض خیر آن قرار خواهند گرفت. او ادامه داده که هر آیه ای که خبری در آن است در رأس بر اهل بیت علیهم السلام منطبق می باشد.

«عن الاصبع ابن نباته، عن علی علیه السلام، قال: نزل القرآن اربعة ارباع ربع فینا، و ربع فی عدونا و ربع حلال و حرام و ربع فرائض و احکام و لنا کرائم القرآن» (همان، ۶۲).

از اصبع ابن نباته است که علی علیه السلام فرموده است: قرآن بر چهار قسمت است، قسمتی از آن درباره ما است و قسمتی درباره ی دشمنان ماست و قسمتی هم حلال و حرام خداست و قسمتی هم فرائض و واجبات هستند، و نیکی هایی که در قرآن آمده است درباره ما است.

حسکانی از قول ابی الجارود ادامه می دهد که چون آیه ی مبارکه ی «فمن حاجک فیه بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا وابنائکم» نازل شد. «قال: کان النبی و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام ... فلم یخرج یومئذ النصارى و قالوا: انا نخاف ان یکون هذا هو النبی ... و قال النبی لو خرجوا لاحترقوا» (همان، ۱۶۷).

پیامبر صلی الله علیه و آله بود و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در این روز نصاری برای مباحله خارج نشدند و می گفتند ما می ترسیم که این فرد همان پیامبری باشد که صادق است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: که اگر آنها خارج می شدند برای مباحله در

غضب الهی می سوختند.

حسکائی موارد فراوانی را در خصوص اهل بیت بیان می کند و محبت به اهل بیت را رکن نجات و سفینه‌ی رهایی بخش معرفی می نماید.

«عن علی ابن موسی الرضا علیه السلام، عن آبائه عن علی علیه السلام قال: قال رسول الله: من احب ان یركب سفینة النجاة و یتمسک بالعروة الوثقی و یتعصم بحبل الله المستین فلیوال علیاً ولیاً تم بالهداة من ولده» (همان، ص ۱۶۸).

از علی ابن موسی الرضا علیه السلام از پدرش و از پدراناش از علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوست دارد که بر کشتی نجات سوار شود و به ریسمان محکم الهی چنگ زند پس باید دوست بدارد علی علیه السلام را و به هادیان خلق، که فرزندان او هستند، اقتدا نماید.

او همچنین نوشته است: «لما نزلت قل لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، قالوا یا رسول الله من هؤلاء الذین امرنا الله بمودتهم. قال علی و فاطمه و ولدهما علیهما السلام»

چون که آیه‌ی مودت نازل شد پرسیدند «ای رسول خدا این‌ها چه کسانی هستند که خداوند ما را به مودت آنها سفارش فرموده است؟». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند آنها علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام و فرزندان ایشانند.

شافعی در بین امامان اهل سنت، نسبت به خاندان عصمت و طهارت ارادت خاصی داد. او به آنان بسیار هم عشق می ورزد. وی در شعری چنین سروده:

یا آل بیت رسول الله حبکم فرضٌ من الله فی القرآن انزله

یکفیکم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم لاصلوة له  
یعنی ای اهل بیت رسالت، دوستی شما امر واجب است که خدا در قرآن نازل فرموده است و به آن سفارش کرده است. در بزرگی منزلت و قدر شما همین بس که اگر کسی بر شما درود نفرستد نمازش مورد قبول خدا نخواهد بود.

شافعی، از فرط عشق و علاقه‌ای که به خاندان عصمت و طهارت داشته است، اشعاری دیگر را هم در مورد ایشان سروده که به نمونه‌ای از آن اشاره می کنیم:

هنگامی که به سفر حج رفته، در آنجا شعری سروده که چنین است:

یا راکباً قف بالمحصب من منی      واهتف بساکن خیفها والنهض  
سحراً اذا فاض الحجيج الی منی      فیضاً کمتلطم الفرات الفانض  
ان کان رفضاً حب آل محمد      فلیشهد الثقلان انی رافضی  
ای سواره، در سرزمین منی، بر سنگریزه های آن بایست، و سحرگاه فریاد کن  
به آن که در خیف ساکن است و به آنکه در حرکت است. آنگاه که حجاج از  
مشعر به منی حرکت می کنند، و کثرت جمعیت، مانند رود فرات موج می زند،  
بگو که اگر دوستی آل محمد رفض شمرده می شود، پس جن و انس گواهی دهند  
که من رافضی می باشم.

امام ابی بکر ابن شهاب الدین، در کتاب رشقة الصادی، از قول شافعی شعری  
دیگر را نقل نموده که به دلیل اهمیتی که دارد آن را نیز نقل می نمایم:

ولما رأیت الناس قد ذهبَتْ بهم      مذاهبهم فی البحر الغی والمجهل  
رکبت علی اسم الله فی سفن النجا      وهم اهل بیت المصطفی خاتم الرسل  
وامسکت بحبل الله و هو ولائهم      کما قد أمرنا بالتمسک بالحبل  
چون که دیدم دین مردم از دستشان رفته، و در دریای جهل و گمراهی  
گرفتارند، به نام خدا به کشتی نجات سوار شدم و آن کشتی اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله  
خاتم رسولان صلی الله علیه و آله است، و چنگ به ریسمان ولایت آنها زدم چنان که به این کار  
امر شده ایم.

به همین دلیل است که عالمان شافعی و دیگر عالمان اهل سنت، درباره ی  
علی علیه السلام و اولاد علی علیه السلام، کتاب ها نوشته اند، که به نام برخی از آنها اشاره  
می نمایم.

۱) مودة القربی، سید علی حسینی همدانی.

۲) العبرة فی فضائل العترة، علامه عبدالله حمصی شافعی.

۳) مناقب علی ابن ابی طالب، ابن مغازلی شافعی.

۴) مناقب علی، ابی عبدالله احمد ابن حنبل.

- ۵) الخصائص، احمد ابن شعیب نسایی.
- ۶) فضائل علی، جلال الدین سیوطی.
- ۷) مناقب علی، محب الدین طبری شافعی.
- ۸) نزول القرآن فی مناقب اهل البيت، ابو نعیم اصفهانی.
- ۹) شواهد التنزیل، حاکم حسکانی.
- ۱۰) فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و السبطین، محمد ابن ابراهیم الجوینی.
- ۱۱) فضائل اهل البيت، موفق ابن احمد اخطب خطباء خوارزم.
- ۱۲) محسن الاظهار فی تفصیل مناقب ائمة الاطهار، حمیدالدین ابن احمد الشہید الیمانی.

۱۳) تذکرة الخواص، الشیخ یوسف سبط ابن جوزی.

۱۴) تفسیر درالمنثور، جلال الدین سیوطی.

۱۵) المستدرک، حاکم نیشابوری.

۱۶) مجمع الزوائد، الهیثمی.

و کتب فراوان دیگری که عالمان اهل سنت در زمینه ولای اهل بیت علیهم السلام نگاشته و به رشته ی تحریر در آورده اند که خود اسنادی گویا بر این واقعیت است که عشق و محبت نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، دست مایه ی گران سنگی است که می تواند همه ی فرق اسلامی را بر حول محور واحدی گرد آورد.

ثعلبی از عالمان اهل سنت، در تفسیر آیه ی مبارکه ی «قل لا اسئلكم علیه اجر الا المودة فی القربی» چنین آورده است: «انها نزلت فی اهل البيت، محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین».

تقی الدین احمد ابن علی المقریزی، در کتاب فضائل آل البيت، که درباره ی ائمه و اهل بیت علیهم السلام آن را نگاشته است، ضمن بررسی آیه ی مبارکه ی فوق، چنین آورده «قال ابن عمر: قال رسول الله ﷺ من اراد التوکل علی الله فلیحب اهل بیتی علیهم السلام و من اراد

الحکمة فليحب اهل بيتي ﷺ، و من اراد دخول الجنة بغير حساب فليحب اهل بيتي ﷺ. فو الله ما احبهم احد الا ربح الدنيا والاخرة» (تقی‌الدین احمد ابن علی المقریزی، فضائل آل البيت، مطبعة الميمنية، مصر، ۱۳۲۷ هـ، ۱۲)

مقریزی، در موارد زیادی نسبت به اهل بیت ﷺ، اظهار ارادت کرده است. او از عایشه نقل می‌کند: «قالت عائشة رضى الله عنها: خرج النبي ﷺ ذات يوم غداةً و عليه مرطٌ مرحلٌ من شعر اسود، فجاء الحسن فادخله معه ثم قال: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (همان، ۲۳).

عایشه نقل نموده که روزی پیامبر ﷺ از منزل خارج شد، در حالی که عبایی از پشم مشکی بر تن داشت، حسن «نوه‌ی گرمی‌اش» آمد؛ او را زیر عبا برد و فرمود خدا اراده فرموده است از شما خاندان، پلیدی را بزداید و پاکتان نماید پاک نمودنی.

سپس نقل‌های فراوانی از گفته‌های تاریخی در خصوص محبت به اهل بیت ﷺ دارد، که به بخش‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

«... عن ابن ابی الحمیراء، و ابن عباس ان ذالک کان؛»

«... و عن ابن ابی الحمیراء و ابی سعید و ابن عباس ان ذالک کان؛»

«... و عن ابن بریزه و ابن عباس ان ذالک کان.»

مقریزی، روایت دیگری را آورده که در خصوص صلوة بتراء، می‌باشد.

«اخرج الشعرانی حدیث صلوات البتراء، قال: قال رسول الله ﷺ لا تصلوا علی صلوات البتراء، قالوا و ما صلوات البتراء؟»

«قال: تقولون اللهم صل علی محمد و تمسكون بل قولوا: اللهم صل علی محمد و آل محمد، فقیل: من اهلک یا رسول الله؟ قال ﷺ علی و فاطمه و الحسن و الحسين ﷺ» (کشف‌الغمه، للشعرانی، همان، ۴۳)

شعرانی حدیثی را به نام حدیث بتراء، بیان کرده می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر من درود ناتمام و بریده نفرستید. پرسیدند: درود بریده چیست؟ فرمود: این که بگویید بار خدایا بر محمد درود بفرست و سپس باز بمانید، بلکه بگویید:

خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست. گفتند: آل شما چه کسانی هستند؟  
فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند.

همچنین ماجرای آیهی تطهیر و بردن علی و فاطمه و فرزندان شان علیهم السلام را تحت کسا را نقل می‌کند و در ادامه مودت آنها را امری فرض و واجب می‌داند و به وسیلهی محبت آنها به خدا تقرب می‌جوید.

و من حدیث محمد بن سلیمان بن الاصبهانی، عن یحیی بن عبید المکی عن عطاء ابن ابی ریاح عن عمر بن ابی سلمه، ریب النبی صلی الله علیه و آله قال: نزلت هذه الایه علی النبی صلی الله علیه و آله و هوفی بیت ام سلمه (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یتطهروکم تطهیراً) فدعا حسن و حسین فاجلسهم بین یدیه، و دعا علیاً فاجلسه خلفه فتحلل هو و هم بالكساء ثم قال: «اللهم هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرکم تطهیراً» (تقی الدین احمد بن علی المقریزی، فضل آل البیت، تحقیق سید علی عاشور، مصر صفحه ۲۲).

«در حدیث محمد بن سلیمان بن اصفهانی از یحیی بن عبید مکی از عطاء بن ابی ریاح از عمر بن ابی سلمه تربیت شده‌ی دامان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که گفت: این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد در حالی که آن حضرت در خانه‌ی ام سلمه بود «همانا خدا اراده کرده است که پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و پاک‌تان نماید پاک نمودنی» پس فراخواند حسن و حسین و فاطمه را پس آنها را پیش روی خود نشاند و فراخواند علی علیه السلام را و او را پشت سر نشاند پس قرار گرفت پیامبر صلی الله علیه و آله و آن چهار تن در زیر عبا سپس فرمود: «خدایا این‌ها اهل بیت من هستند پس پلیدی را از آنها پاک کن و وجودشان را پاکیزه نگاه دار».

سپس مقریزی شرح و بسط مفصلی را درباره‌ی این آیه و شمولش نسبت به خاندان اهل بیت علیهم السلام بیان می‌کند و می‌نویسد این آیه منحصرراً درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام نازل شده است و کسی دیگر نمی‌تواند مدعی شود که درباره‌ی غیر آنان نازل شده است. در پایان مقریزی چنین می‌نگارد: «فثبت ان هؤلاء الاربعه، اقارب النبی و اذا ثبت هذا وجب ان یکونوا مخصوصین بمزید التعظیم» (همان، ۳۶).

پس ثابت گردید که این چهار تن خویشاوندان پیامبرند و هنگامی که این مسأله ثابت شد واجب است که فراوان مورد تعظیم و احترام قرار بگیرند. در نتیجه، مقریزی عشق و محبت به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام را امری واجب و حتمی می‌شمرد و می‌گوید این محبت رهایی بخش است.

زمخشری از دیگر علمای اهل سنت در تفسیر خودش آیات فراوانی را درباره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام نقل می‌کند و شأن نزول آنها را فقط اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند، زمخشری روایتی را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «الا و من مات علی حب آل محمد مات شهیداً، الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له، الا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً، الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الایمان، الا و من مات علی بغض آل محمد مات کافراً، الا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحه الجنة» (فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶).

آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است. آگاه باشید هر کس بر دوستی آل محمد از دنیا برود، مورد بخشش است. آگاه باشید هر کس بر دوستی آل محمد از دنیا برود، در حال توبه از دنیا رفته است. آگاه باشید هر کس بر دوستی آل محمد از دنیا برود، با ایمان کامل از دنیا رفته است، آگاه باشید هر کس بر دشمنی آل محمد از دنیا برود کافر از دنیا رفته است. آگاه باشید هر کس بر دشمنی آل محمد از دنیا برود، بوی بهشت را نخواهد شنید.

ملا عبدالرحمان جامی، از دیگر علمای اهل سنت است که نسبت به علی علیه‌السلام و خاندان طهارت علیهم‌السلام بی‌انصافی‌های فراوان کرده است، اما در عین حال در مواقعی اظهار ارادت‌های عجیبی، نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام نموده است، که فقط به نقلی از علامه شهید مطهری رحمته‌الله، بسنده می‌کنیم «با این که قاضی نورالله درباره‌ی وی می‌گوید دو تا عبدالرحمان علی علیه‌السلام را آزرده‌اند، عبدالرحمان ابن ملجم مرادی و عبدالرحمان جامی»، قصیده‌ی معروف فرزدق را در مدح امام سجاده علیه‌السلام، به فارسی به نظم آورده است. می‌گویند خوابی نقل کرده که پس

از مرگ فرزдық، او را در عالم رؤیا پرسیدند خداوند با تو چه کرد؟ جواب داد: مرا به واسطه‌ی همان قصیده که در مدح علی بن الحسین علیه السلام گفتم، آمرزید. جامی خود اضافه می‌کند و می‌گوید: اگر خداوند همه‌ی مردم را به خاطر این قصیده بیامرزد عجیب نیست. جامی درباره‌ی هشام بن عبدالملک که فرزдық را حبس کرد و شکنجه‌اش داد می‌گوید

اگرش چشم راست بین بودی      راست کردار و راست دین بودی  
دست بیداد و ظلم نگشادی      جای آن حبس، خلعتش دادی  
(جامی، سلسلة الذهب، ۱۸۰).

از فرازهای فوق درمی‌یابیم که مسأله‌ی محبت به اهل بیت علیهم السلام اختصاص به شیعه ندارد بلکه همه‌ی فرق اهل سنت، به استثنای ناصبی‌ها، که بغض اهل بیت علیهم السلام را در دل دارند، دیگر فرق اهل سنت محبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

### امامان شیعه علیهم السلام، مدار وحدت امت اسلامی

از مجموعه‌ی دیدگاه‌هایی که فرق اهل سنت، درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام، ارائه کرده‌اند، و شیعه نیز آن دیدگاه‌ها را با دیدگاه‌های خویش، هم‌سو می‌بیند، می‌توان، به طور قطع، این مسأله را ذکر کرد که جریان امامت و مسأله‌ی اهل بیت علیهم السلام، که در قرآن و روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، می‌تواند عامل مهمی بر تجمع امت اسلامی بر محور امامت باشد.

در این راستا، گروه‌هایی وظیفه و رسالت مضاعف دارند. علمای اهل سنت، روشن‌فکران آنان، علمای شیعه و روشن‌فکران آنان و نهادهای بین‌المللی، نظیر مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت اسلامی، سازمان ارتباطات اسلامی و سایر نهادهای تبلیغی و فرهنگی موظفند استراتژی روشنی را در زمینه‌ی تقریب بین مذاهب تنظیم نمایند تا بتوانند هم دیدگاه‌ها را به هم نزدیک نمایند و هم توطئه‌های استکبار غرب را، که تلاش

وسعی در ایجاد تفرقه بین امت اسلامی دارد، خشی نمایند.

جهت روشن تر شدن این موضوع و رسالتی که سازمان‌های یاد شده در راستای این مهم دارند، متنی را که از امام صادق علیه السلام، در این زمینه نقل شده است، مورد توجه قرار می‌دهیم.

عن الصادق علیه السلام، انه سئل ابوحنیفه، عن هذه الآية «لتسئلن يومئذ عن النعم» فقال له: ما النعم عليكم يا نعمان؟ قال: القوت من الطعام و الماء البارد، فقال: لئن اوقفك الله يوم القيامة بين يديه حتى يسئلك عن كل اكله اكلتها، او شربه شربتها ليطولن و قوفك بين يديه، قال: فما النعم جعلت فداك؟ قال: نحن اهل البيت، النعم الذي انعم الله بنا على العباد، و بنا انتلقوا بعد ان كانوا مختلفين و بنا الف الله بين قلوبهم و جعلهم اخوانا بعد ان كانوا اعداء» (الحاج میرزا ابی الفضل الطهرانی، شفاء الصدور، بی‌تا، بی‌نا، ۳۳۳).

از امام صادق علیه السلام است که آن حضرت از ابوحنیفه، از مفاد و مفهوم این آیه که «در روز قیامت از نعمت‌ها مورد سؤال قرار می‌گیرید» پرسید: ای نعمان، آن نعمت‌ها چیستند؟ گفت: خوردنی‌ها و آب سرد. حضرت پرسید: اگر خداوند، تو را در نزد خود نگهدارد و از تو درباره‌ی نعمت‌ها، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها بپرسد که چگونه از آنها استفاده کرده‌ای، چه خواهی گفت؟ او پرسید: پس نعمت‌ها چیستند؟ جانم فدای شما باد. فرمود: ما اهل بیت، همان نعمت هستیم، که خدا به وسیله‌ی ما بر بندگان منت نهاده است، و به وسیله‌ی ما متحد شدند، بعد از اختلافاتی که بینشان بود و به وسیله‌ی ما قلوبشان با هم مهربان شد. پس از اختلافاتی که با یکدیگر داشتند.

### لزوم بهره‌وری از وفاق دیدگاهی

با توجه به وفاق دیدگاهی موجود در میان مسلمین در خصوص اهل بیت علیهم السلام، می‌توان این نکته را به صورت قاطع بیان داشت که مسلمانان، از عامل تجمع و الفت و صمیمیتی بالا برخوردارند، که می‌باید از این مقوله به خوبی بهره ببرند و

رشته‌های الفت را بین خودشان برقرار نمایند.

در این زمینه تمام واحدها و هسته‌های فرهنگی و علمی مسؤولیت دارند تا برنامه ریزی جهت‌داری را مورد توجه خویش قرار دهند، و از این زمینه‌ی نورانی بهره‌های لازم را در جهت وحدت مسلمین ببرند.

در آیه‌ی مبارکه‌ی «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»، که ناظر بر اتحاد و مقابله با هرگونه تفرقه است. الفت و وحدت امت اسلامی، مورد تأکید و سفارش جدی قرار گرفته، و از مسلمانان خواسته شده است که به ريسمان الهی متمسک شوند و از تشتت و تفرقه پرهیزند، چنان‌که در مباحث پیشین، از قول همه‌ی فرق اسلامی، بر این نکته انگشت نهاده شد که همه‌ی فرق اسلامی در این که ريسمان الهی، اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشند نیز اتفاق نظر وجود داشت. علاوه بر وجود این وفاق درباره‌ی ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام)، همگی اتفاق نظر دارند در این که وجود نورانی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، عامل وفاق و هم‌دلی مسلمین می‌باشد.

در واقع، برترین عامل این اتحاد مقدس، و برترین محور وحدت، شخص پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌باشد، چه این که قرآن کریم در زمینه‌ی وحدت پیام صامت است و شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قرآن ناطق می‌باشد، چنان‌که می‌فرماید «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» هم او است که اشرف انبیا و اعظم پیام‌آوران الهی می‌باشد.

در میان فرق اسلامی، و مذاهب گوناگون، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، نقطه‌ی اشتراک و انسجام امت می‌باشد، زیرا که عشق و احساسات همه‌ی مسلمانان، در این وجود پاک و مطهر خلاصه شده است.

جان دیون پورت، دانشمند شهیر انگلیسی، در کتاب خویش، تحت عنوان عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، چنین می‌نگارد: محمد، یک نفر عرب ساده، قبایل پراکنده‌ی کوچک و برهنه و گرسنه‌ی کشور خود را، مبدل به یک جامعه‌ی فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین، آنها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد و در کم‌تر از سی سال، با این طرز و روش، امپراطور

قسطنطنیه را مغلوب کرد و سلاطین ایران را از بین برد، سوریه و بین‌النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه‌ی فتوحاتش را از اقیانوس اطلس، تا کرانه‌ی دریای خزر و تا رود سیحون، بسط داد (جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ۸).

### گوهر وحدت در حرکت کلی امامت

امامان شیعه علیهم‌السلام، علاوه بر این که اصل وجودشان، نقطه‌ی جوشش وحدت و اشتراک امت اسلامی است، فعل و قول آنان نیز، بر این نکته‌ی متین گواهی صادق می‌باشد. آنان همواره بر این نکته پای فشرده و اصرار ورزیده‌اند که باید امت اسلامی در وحدتی روزافزون و متزاید قرار داشته باشد.

چنان که از دوران امام علی علیه‌السلام، تا پایان تاریخ امامت، این شیوه‌ی عملی را از آنان به وضوح می‌نگریم. امامان شیعه علیهم‌السلام، همواره به این نکته توجه داشته‌اند که در برابر مسلمین، جریان‌های نفاق و مخربی صف‌بندی نموده‌اند تا اصل و اساس را از بین ببرند و در صف واحد مسلمین، رخنه ایجاد نمایند. لذا آن بزرگواران، در حیات سیاسی و اجتماعی خودشان، بر ایجاد و حفظ وحدت تمرکز نموده‌اند. باید به شیوه‌ی رفتاری و عملی آن بزرگواران اقتدا نمود. در قرآن مجید، از قول حضرت هود علیه‌السلام چنین می‌خوانیم:

«یا قوم اتبعونی اهدکم سبیل الرشاد»؛ ای قوم از من پیروی کنید تا شما را به راه راست هدایت نمایم.

علی علیه‌السلام، در یکی از خطبه‌های خودشان، پیروان‌شان را به همین مسأله دعوت می‌نمایند و چنین می‌فرمایند:

«انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم و اتبعوا اثرهم، فلن یخرجوکم من هدی، و لن یعیدوکم فی ردی، فان لبدوا فالبدوا، و ان نهضوا فانهضوا، و لا تسبقوهم فتضلوا، و لا تتاخروا عنهم فتهلکوا» (صبحی صالح، نهج البلاغه، ۱۴۲)

به اهل بیت پیامبران نگاه کنید، همواره در مسیر آنان قرار گیرید، و از

گام‌های آنان پیروی کنید، که هرگز از مسیر هدایت خارج‌تان نمی‌کنند، و در گمراهی‌ها واردتان نمی‌نمایند، اگر نشستند، بنشینید، و اگر برخاستند، برخیزید، از آنان پیشی نگیرید، که به گمراهی در خواهید افتاد، و از آنان عقب نمانید، که هلاک خواهید شد.

علی علیه السلام، در ماجرای حرکت خویش، پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که بزرگ‌ترین انحراف را در امت اسلامی مشاهده فرمود، با این که حق مسلم ایشان، غاصبانه از او ربوده شده بود، جهت حفظ اتحاد مسلمین، اقدامی را که شکننده‌ی این وحدت باشد، انجام نداد، و تنها مسأله‌ای که فراروی آن حضرت، قرار داشت، شکستن تفرقه بود. از این روی، و با توجه به همین مسأله، به سوی نهاده‌ی نمودن وحدت پیش رفت.

امامان شیعه علیهم السلام، به طور عموم، تفرقه‌ی امت را بازگشت به دوران جاهلیت می‌دانستند و در واقع، این خصلت، خصلتی ارتجاعی قلمداد می‌گردد، زیرا نمادی از دوران جاهلیت است.

امامت شیعی بر این معنا پای فشرده است که شیعه آغازگر درس وحدت باشد، در نماز جماعت اهل سنت شرکت نماید، زیرا که شرکت در نماز جماعت اهل سنت، دارای فضیلتی برابر با شرکت در نماز جماعتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام جماعت آن است. این رهنمودهای وحدت‌آفرین، در تمام کلمات و سخنان پیشوایان شیعه، به صورت برجسته‌ای نمایان است، که در این بخش به برخی از این رهنمودها اشاره می‌نمایم.

### رهنمودهای وحدت‌گرایانه‌ی امامان شیعه علیهم السلام

علی علیه السلام، که پس از آن همه دردها و رنج‌ها، و پس از آن همه انحرافات که در تاریخ اسلام به وجود آمد، و پس از مشاهده‌ی انحرافات که در اندیشه و باورهای مردم حاصل شد، با اصرار همان مردم، که اکنون می‌دیدند کشتی توده‌های مسلمان به انحرافی سرگرفتار آمده است، امر رهبری و خلافت را

برعهده گرفت. اندیشه‌ی علوی هرگز به امر موجود رضایت نمی‌داد، بلکه می‌خواست دوباره جامعه‌ی اسلامی را در مسیری به تکاپو وادارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن راه و مسیر را گشوده بود.

اکنون جامعه‌ی اسلامی، دچار تفرقه و مصیبتی شده بود، که بازگرداندنش به آن دوران شکوهمند، کاری بس مشکل و طاقت فرسا بود. لذا برون رفت از این اوضاع آشفته را فقط در گرو ایجاد وحدت در صفوف امت اسلامی ارزیابی می‌نماید. از حقوق از دست رفته‌اش یاد می‌کند و حسرت و درینی را یادآور می‌شود، که اگر کشتی حرکت امت اسلامی از مسیر خویش منحرف نمی‌گشت، امروزه دیگر از این گمراهی‌ها خبری نبود.

در خطبه‌ی ششقیه، دردهای دل خویش را بازگو می‌نماید، و صبر خویش در دوران آن رخدادها را بهترین گزینه در حرکت خود بیان می‌دارد.

«اما والله لقد تقمصها ابن ابی قحافه و انه لیعلم ان محلی منها محل القطب من الریح، ینحدر عنی السیل، و لا یرقی الی الطیر، فسدلت دونها ثوباً، و طویت عنها کشحاً، و طفقت ارتئی بین ان اصول بید جذاء او اصبر علی طخیه عمیاء، یرم فیها الکبیر و یشیب فیها الصغیر، و یکدخ فیها مؤمن حتی یلقی ربه، فرأیت ان الصبر علی هاتا احجی، فصبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی، اری ترائی نهباً» (عبده، بی‌تا، ۳۰).

آگاه باشید که فرزند ابی قحافه، پیراهنی را که پیامبر صلی الله علیه و آله بر قامت من دوخته بود، غاصبانه بر تن نمود، و حال آن که می‌دانست جایگاه من در خلافت، همچون جایگاه سنگ آسیا در آن است. از وجود من سیل علوم سرازیر می‌شود. و پرواز هیچ اندیشه و فکری به من نمی‌رسد. پس جامه‌ای غیر آن بر تن نمودم، و اندیشه نمودم که آیا با دست بریده اقدام به امری کنم و یا آن که صبر نمایم. با چشمی نابینا صبری که در آن کودک به پیری می‌رسد، و انسان مؤمن می‌رود که به ملاقات خدا نائل شود. پس از این اندیشه‌ها دیدم که صبر، عاقلانه‌ترین امر است. پس صبر نمودم، در حالی در چشم خاشاک رفته و در گلویم، استخوان

ریزه قرار دارد، زیرا که میراث را غارت شده دیدم.

در کلامی دیگر، به خوارج نهروان می فرماید:

«الزموا السواد الاعظم، فان یدالله مع الجماعة و ایاکم و الفرقة فان الشاذ من الناس للشیطان، كما ان الشاذ من الغنم للذئب» (صبحی صالح، ۱۹۸۷، ۲۸۰).

همگام جمعیت انبوه باشید، زیرا که دست خدا با جمعیت انبوه است، و از تفرقه پرهیزید، زیرا که اندک انسان از آن شیطان است، چنان که اندک گوسفند از آن گرگ است.

در خطبه‌ی قاصعه، می فرماید:

«فالزموا کل امر لزمتم العزّه به شأنهم، و زاحت الاعداء له عنهم، و مدت العافیة فیہ علیهم، و انقادت النعمه له معهم، و وصلت الکرامه علیه حبلمهم من الاجتناب للفرقة و اللزوم للالفه و التحاض علیها و التواصی بها و اجتنبوا کل امر کسر فقرتهم، و اوهن منتهم من تضاعن القلوب و تشاحن الصدور و تدابر النفوس و تحاذل الایدی»

و در موردی دیگر، چنین فرموده است:

«فرايت الصبر علی ذالک افضل من تفريق كلمة المسلمين و سفک دمائهم، و الناس حدیثوا عهد بالاسلام، و الدین یمخض مخض الوطی یفسده ادنی و هن و یحکمة اقل خلق»

پس، دیدم که صبر بر این امر از چند دسته شدن کلمه‌ی مسلمین، و ریخته شدن خونشان، برتر و بااهمیت تر است، در حالی که مردم، تازه به اسلام در آمده بودند (صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۲، خ ۵).

در موردی دیگر، فرموده است: «ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة، و عرجوا عن طریق المنافرة وضعوا تیجان المفاخرة افلح من نهض بجناح او استسلم فاراح هذا ماء آجن و لقمه یغص بها آكلها و مجتنی الثمرة لغير وقت ایناعها كالزراع بغير ارضه»

ای مردم، بشکنید امواج فتنه را با کشتی های نجات، و از راه های اختلاف

دوری گزیده و تاج‌های فخر فروشی را بر زمین بنهید، این آبی گل آلود است، و لقمه‌ای است که در گلوی خورنده‌اش، گیر می‌کند، و در حکم چیدن ثمره میوه در غیر موعد خودش می‌باشد و مانند زارعی است که در غیر زمین خودش، زراعت می‌کند.

در خصوص تفرقه‌ی پیروان خویش، و اجتماعی که در بین پیروان معاویه وجود داشت، چنین فرمود:

«فيا عجباً، والله يبيت القلب و يجلب الهم من اجتماع هؤلاء القوم على باطلهم و تفرقكم عن حقكم» (صبحی صالح، نهج البلاغه، ۲۰۵، ص ۱۴۷).

پس، شگفتا از اجتماع این قوم بر باطل خویش، و تفرق و پراکندگی شما بر حقانیت‌تان، که قلب را می‌میراند و اندوه را بر می‌انگیزاند.

از دیدگاه آن حضرت، وحدت کلمه‌ی مسلمین، اصلی اساسی و حیاتی است، که رعایتش، موجب سامان‌یابی حرکت امت اسلامی و نادیده گرفتنش، سبب از هم گسیختگی امت اسلامی خواهد شد، و همین مسأله، عزت، اقتدار و شوکت آنان را در معرض انهدام قرار خواهد داد، زیرا که اصل اتحاد، قوت و سطوت را برای مسلمین، به ارمغان می‌آورد، چنان که در قرآن مجید می‌فرماید:

«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ به منازعه و اختلاف تن ندهید که به وسیله‌ی آن، آبرو و عزت شما نابود خواهد شد.

در سیره‌ی امام علی علیه السلام، مهم‌ترین اصل اجتماعی، که سبب استواری جامعه می‌شود، اصل بنیادی عدالت است؛ اصلی که اگر در دوران پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، رعایت نمی‌شد، دیگر از نام اسلام هم چیزی باقی نمانده بود. از عبدالله بن جناده نقل شده که گفت: در ایام خلافت علی علیه السلام در حجاز بودم، آهنگ عراق کردم، به مدینه رفتم، روزهای اول خلافت علی علیه السلام بود، مردم برای نماز اجتماع کرده بودند، علی علیه السلام در حالی که شمشیر خود را حمایل کرده بود، بیرون آمد، خطابه‌ای ایراد نمود و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و فرمود:

پس از پیامبر ﷺ گمان نمی‌کردم که مردم این گونه در حق ما خیانت کنند، اما آنچه که انتظارش نمی‌رفت، واقع شد و ما را در ردیف مردم کوچه و بازار قرار دادند، اگر بیم تفرقه مسلمین نبود، دست به قبضه شمشیر می‌بردم.»

«وایم الله لولا تفریق کلمه المسلمین و ان یعود الکفر و یبور الدین، لکنا غیر ما کنا علیه»؛ قسم به خدا اگر ترس از تفریق اجتماع مسلمین نبود به گونه‌ای دیگر عمل می‌کردیم (صبحی صالح، نهج البلاغه، خ ۱۹۸ ص ۲۸۶).

### وحدت اسلامی در سیره‌ی امام مجتبی‌علیه‌السلام

امام حسن بن علی علیهما السلام، که امام مفروض الطاعه پس از امام علی علیهما السلام می‌باشد، با عقل و درایتی ویژه و از مشکوة نوری امام همام علی علیهما السلام بهره‌ وافی برده، در حوادث دهشت زایی که پس از شهادت پدر بزرگوارش پیش آمد، کاملاً سیره‌ی امام علی علیهما السلام را ادامه داد که اگر دقتی اندک، در این سیره‌ی تابناک، به عمل آید به این نتیجه راه خواهیم برد که وحدت، استراتژی ثابت امامت بوده است.

معاویه در شام حکومتی مستقل تشکیل داده و پیوسته در صدد توطئه می‌باشد، جاسوس‌های معاویه، همه‌ی قلمرو حکومت امام مجتبی‌علیه‌السلام را زیر نظر قرار داده و پیوسته جاسوس‌های او علیه امام مجتبی‌علیه‌السلام توطئه می‌کنند و در صدد تخریب اوضاع داخلی هستند. امام همه‌ی این جریان‌ها را زیر نظر دارد، اما در عین حال کاری نمی‌کند که اوضاع در معرض وخامت بیشتری، در داخل قلمرو اسلامی، قرار نگیرد.

پس از توطئه‌هایی که معاویه در داخل قلمرو حکومتی آن حضرت نمود، آن امام بزرگ ﷺ نامه‌ای را به معاویه می‌نگارد و به صراحت بیان می‌دارد که او را رها گذاشته تا خون‌های مسلمین بیهوده نریزد و وحدت امت همچنان محفوظ بماند.

ماجرای صلح امام علی علیهما السلام، بهترین و گویاترین سند و گویاترین برهان بر این ماجراست که اگر معاویه از در مخالفت با آن گوهر تابناک رسالت در نمی‌آمد، آن حضرت اقدام حاد جنگ را به صلاح امت نمی‌دانستند (ر.ک. به: آل یاسین،

## سیره‌ی امام حسین علیه السلام در دوران خلافت معاویه گواهی بر اهتمام به وحدت

در منابع موثق تاریخی چنین می‌خوانیم که امام حسین علیه السلام پس از شهادت برادر گرامی‌اش امام مجتبی علیه السلام، با توجه به این که پس از صلح، عمل برادرش را تأیید نموده، بر تداوم صلح با معاویه اصرار داشته است.

ابوقتیبه دینوری، در کتاب الامامة والسیاسة، می‌نگارد:

سلیمان بن سرد خزاعی، به محضر امام حسین علیه السلام آمد و از او خواست که قیام نماید، امام در پاسخ به او فرمود: تا معاویه زنده است قیام نخواهد کرد.

همچنین فرمود: «لیکن کل رجل منکم حلساً من احلاس بیته مادام معاویه حیاً فانها بیعة کنت والله کارها فان هلك معاویه نظرنا و نظرتم و رأینا و رأیتم» (ابن قتیه دینوری، الامامة والسیاسة، ۱۹۸۵ م، ص ۱۶۵، ج ۱)؛ تا هنگامی که معاویه زنده است، پلاسی در خانه خود باشید. وقتی که معاویه مرد، به وضع زمانه می‌نگریم تا ببینیم که چه خواهد شد.

در همین راستا، می‌توان عمل همه‌ی امامان شیعه علیهم السلام را مورد ارزیابی قرار داد. امامان بزرگوار شیعه علیهم السلام از امام سجاد علیه السلام به بعد، به طور عموم آنچه که در محور اصلی توجه عملی آنان قرار گرفته، همین قضیه‌ی وحدت امت اسلامی بوده است.

امام سجاد علیه السلام، در دوران پس از شهادت امام حسین علیه السلام، با توجه به وضعیت خطرناکی که وجود داشت، هرگز از جاده‌ی اعتدال خارج نشد. حفظ وضعیت موجود و روشن‌گری‌ها را ادامه داد، تا در صفوف امت اسلامی، شقاق و تفرقه ایجاد نگردد، و سوگند خوردگان علیه کلیت اسلام نتوانند از فضایی ملتهب به نفع خویش بهره بردارند، به گونه‌ای که این مسأله‌ی مهم، در ادعیه‌ی آموزنده‌ی آن حضرت به طور کامل نمودار است.

و این امام همام باقرالعلوم علیه السلام است که از وضع موجود، جهت نشر اندیشه‌ی

اسلامی بهره می‌برد، و ساختاری علمی را برای آینده طراحی می‌نماید، که این اقدام مهم، در دوره‌ی امامت امام صادق علیه السلام، به طور کامل شکوفا می‌گردد؛ به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام فصلی نوین را در معرفی شریعت آغاز می‌نماید و شاگردانی بزرگ را تربیت می‌نماید. در همین دوره شخصیت‌هایی همچون ابوحنیفه، امام فرقه‌ی حنفی‌ها، به طرح دیدگاه‌های فقهی و سیاسی خود می‌پردازند، و حضرت امام صادق علیه السلام در برابر دیدگاه‌های آنان، جانب اعتدال را مورد توجه خویش قرار داده، سماحت دیدگاه اسلامی را به نمایش می‌نهد، و از تفرقه‌ی امت اسلامی به خوبی جلوگیری می‌نماید.

این روند مهم تاریخی، در دیگر دوره‌های امامت همچنان دوام دارد؛ به گونه‌ای که تابلویی گران‌سنگ از وحدت را فراروی امت قرار می‌دهد. امام موسی ابن جعفر و امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام، در سیره‌ی سیاسی و اجتماعی خودشان، این مسأله‌ی مهم تاریخی، اجتماعی، سیاسی را فراروی تفکر شیعی باز می‌نمایند، و در صفحات زرین تاریخ اسلامی از خویش به یادگار می‌گذارند.

این روند، دوره‌های امامت امام جواد، امام هادی، و امام عسکری علیه السلام را نیز به نوعی شامل است، که بررسی این دوره‌ها و عمل سیاسی امامان، نیازمند مباحثی تفصیلی است که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد.

## نتیجه‌گیری

وحدت، طرحی استراتژیک در اندیشه‌ی اسلامی است و در راستای این طرح استراتژیک، امامت اسلامی حرکت خویش را متمرکز نموده است. از طرفی ولاء و محبت اهل بیت علیهم السلام، که همه‌ی فرق اسلامی، غیر از ناصبی‌ها، در آن اشتراک نظر دارند می‌تواند معیاری بر وحدت امت اسلامی باشد، و از طرف دیگر حرکت کلی امامت در راستای عملیاتی‌سازی وحدت امت اسلامی قرار گرفته است. بدین روی آرمان اسلام و آرمان امامت، در این مسأله، آرمانی یگانه است، چنان‌چه در همه‌ی مسائل چنین است. اعتصام به حبل الهی و عروة الوثقای الهی، همان اعتصام به ولای اهل بیت علیهم السلام و محبت نسبت به خاندان

عصمت و طهارت است و همین مسأله باید محور بسیاری از تلاش های تبلیغاتی در جهان اسلام قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

۱) قرآن مجید.

۲) مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۰)، بحار الانوار، ترجمه ی موسی خسروی ... [و دیگران]، تهران، اسلامیه، ج ۱۵.

۳) حاکم حسکانی، عبیدالله ابن احمد (۱۹۹۰)، من اعلام القرن الخامس، مؤسسة الطبع و النشر، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.

۴) المقریزی، تقی الدین احمد ابن علی (۱۳۲۷ هـ)، فضائل آل البيت ﷺ، تحقیق سید علی عاشور، مصر، مطبعة المیمیه.

۵) اربلی، علی بن عیسی (۱۲۹۴ هـ)، کشف الغمة فی معرفة الاثمه، تهران، ابی نا.

۶) فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۱)، تفسیر کبیر مفاتیح الغیب، ترجمه ی علی اصغر حلبی، تهران، اساطیر، ج ۲۷.

۷) جامی، عبدالرحمان (بی تا)، سلسله الذهب، بی جا.

۸) الطهرانی، حاج میرزا ابوالفضل (بی تا)، شفاء الصدور، بی جا.

۹) دیون پورت، جان (۱۳۶۸)، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، تهران، امیرکبیر.

۱۰) صبحی صالح (۱۹۸۷)، نهج البلاغه، بی جا.

۱۱) عبده، محمد (بی تا)،

۱۲) آل یاسین، راضی (۱۳۵۴)، صلح امام حسن پرشکوه ترین نرمش قهرمانانه ی تاریخ، ترجمه ی سید علی خامنه ای؛ رهبر انقلاب اسلامی، تهران، آسیا.

۱۳) عبدالله ابن مسلم، ابن قتیبه (۱۳۸۰)، الامامة والسیاسة، (فارسی امامت و سیاست؛ تاریخ خلفا)، ترجمه ی ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس.